

سرآغاز گفتار نام خداست
که رحمتگر و مهربان خلق راست

ادبیات فارسی پایه هشتم

درس ۱۱ : پرچم داران ، حکایت « نام خوشبو »

دبیرستان گل های خرد

مدرس : شیرین عیابفا

هسته و نوع وابسته ها را در گروه های اسمی زیر مشخص کنید



۱- کدام مردان نامدار تاریخ

۲- آن دو اتاق طبقه چهارم

۳- همین چند رزمنده دلاور سرزمین ایران

صفت اشاره

کلمه های « این ، آن ، همین ، همان ، چنین ، چنان » که قبل از اسم می آیند و دربارهٔ دوری و نزدیکی آن اسم توضیح می دهند ،

« صفت اشاره » نامیده می شوند .

مثال : همان روز به محل کارم رسیدم

مثال : این کتاب بسیار مفید و ارزشمند است

صفت اشاره

گروه اسمی	وابسته پیشین صفت اشاره	هسته	وابسته پسین
همان باغبان دلسوز	همان	باغبان	دلسوز
آن درخت کهنسال	آن	درخت	کهنسال
همین دانش آموز ممتاز	همین	دانش آموز	ممتاز
این کفش	این	کفش	-----
چنین روزگاری	چنین	روزگاری	-----

نکات مهم

اگر کلمه های « این ، آن ، همان و ... » بدون همراهی اسم بیایند ، دیگر صفت اشاره نیستند بلکه ضمیر اشاره می باشند و اسم به حساب می آیند و نقش می پذیرند .

مانند : آن را به من بده ← آن : ضمیر اشاره (نقش دستوری : مفعول)

آن کتاب را به من بده ← آن : صفت اشاره کتاب : هسته

صفت شمارشی ۱

اعداد اصلی (یک ، دو ، صد ، هزار و سیصد و ...) و اعداد ترتیبی (اولین ، دومین ، پنجاهمین ، نخستین ، آخرین و ...) که قبل از اسم

می آیند و درباره شمار و مقدار اسم توضیح می دهند ، صفت شمارشی نامیده می شوند .

مثال : صدهزاران چشم ، قاب عکس کودک شد

مثال : اولین گروه دانش آموزان از اردو برگشتند .

صفت شمارشی ۱

صفت شمارشی به دو دسته تقسیم می شود :

۱- اعداد اصلی ۲- اعداد ترتیبی

اعداد اصلی : اعدادی هستند که بدون پیشوند یا پسوند می آیند .

مثال : یک ، چهار ، هفتاد ، هزار ، یکصد و نود و هشت ، یک میلیون و هفتصد و بیست و یک و

اعداد ترتیبی : اعدادی هستند که با پسوند « - م » می آیند .

پنجاه + -م ← پنجاهم دویست و هفت + -م ← دویست و هفتم

مثال : دوم ، چهارم ، پنجاهم ، شصتم ، یکصد و نود و هشتم ، یک میلیون و نهصد و هفتاد و ششم و

صفت شمارشی ۱

وابسته پسین	وابسته پسین	هسته	وابسته پیشین صفت شمارشی	گروه اسمی
-----	-----	چشم	صدهزاران	صدهزاران چشم
----	پیروزی	سالگرد	چهلمین	چهلمین سالگرد پیروزی
----	دانشمندان	گروه	اولین	اولین گروه دانشمندان
تاریخی	ارزشمند	کتاب	هشتاد	هشتاد کتاب ارزشمند تاریخی

حکایت « نام خوش بو »



پیام و محتوای حکایت :

تأکید بر بزرگداشت و حرمت نهادن به اسم
های خداوند متعال

یکی از عارفان روزی در راه، کاغذی دید که نام مبارک پروردگار
(بسم الله) بر آن نوشته شده بود و مردم پا بر آن می نهادند و می گذشتند.
ایستاد و کاغذ را برگرفت و آن کاغذ را معطر گرداند و اندر شکاف دیوار
نهاد تا از آسیب پای رهگذران در امان باشد.

«اندر» به معنی «در»، حرف اضافه است و در متون
قدیمی به کار می رفته است

عارف = کسی که از طریق کشف و شهود قلبی

به شناخت خدا می رسد

مبارک = با برکت، فرخنده

برگرفت = برداشت

معطر = خوش بو

آسیب = صدمه، برخورد، تماس

رهگذر - عابر

در امان بودن = محفوظ بودن

مذت هاگذشت. شبی به خواب دید که ندایی به او میگوید: «ای
دوست! نام من خوش بو کردی و مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی.
ما نیز نام تو معطر گردانیم، در دنیا و آخرت تو را بزرگ و گرامی خواهیم
داشت.»

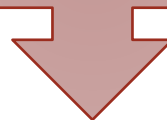
ندا = صدا

حرمت نهادن = احترام گذاشتن

ابوالقاسم قشیری :

یکی از عارفان معروف قرن پنجم هجری که کتاب «رسالة قشیریه» را
در شرح اصطلاحات و معرفی مشایخ عرفانی نوشت.

پرچم داران



پیام و محتوای درس :

تأکید بروطن دوستی و دفاع از وطن در برابر دشمنان

تأکید بر تلاش برای سربلندی ایران



شعرهای میهنی، برای بیان حس غرور، عظمت و افتخار
ملی سروده می‌شوند. به هنگام خواندن این گونه متن‌ها باید با
حفظ استواری کلام و تأکید بر واژگان کلیدی متن، همچون «وطن...» لحن مناسب و آهنگ
حماسی را به کار گرفت.

ایران، سرزمینی بزرگ و عزیز و شکوهمند است. سرزمینی که دین و زبان و فرهنگ و جسم و جان من و تو در آن پرورش یافته و اکنون پاره‌ای از پیکره‌ماست. اگرچه در طول تاریخ، ستم‌ها و کتندهای فراوانی دیده، اما هرگز ایمان، عزت و اراده‌استوار خود را از دست نداده است.

شکوهمند = با شکوه ، با عظمت

عزت = سرافرازی ، ارجمندی

گزند = آسیب ، لطمه ، آزار

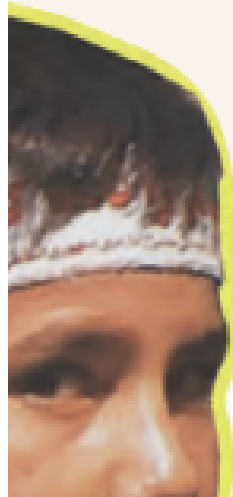
پیکر = جسم

اراده = خواست ، تصمیم

آرایه ادبی :

تشخیص : ایران ، ایمان ، عزت و اراده را از دست نداده است

میسنی که در دوران دفاع مقدس، لحظه‌های تلخ و شیرین بسیاری را به چشم دیده و گرمی خون دل‌آوران را بر پیکر خود احساس کرده است و شهدای بسیاری را در دل خود جای داده و از گستاخی‌ها و بی‌رحمی‌های دشمن، خون دل‌ها خورده است.



گستاخی = بی‌شرمی، جسارت

دل = درون هر چیز

آرایه‌های ادبی :

کنایه : « خون دل خوردن » کنایه از « رنج و عذاب بسیار تحمل کردن »

تضاد : تلخ ، شیرین

تحمیلی = کاری که برخلاف میل
کسی بر عهده او گذاشته شود .

خیل = گروه ، دسته

عظیم = بزرگ

پهنه = میدان ، گستره زمین

بنیان = بنا ، پایه

نفوذناپذیر = غیرقابل عبور و نفوذ

حامیان = حمایت کنندگان

در دوران جنگ تحمیلی، خیل عظیم نوجوانان و جوانان بسیجی و جان برکفان
ارتشی و سپاهی، این پهنه خدایی را به بنیانی استوار و سدی نفوذناپذیر و پایدار
در برابر هجوم و حشایه صدام و حامیان امریکایی او، تبدیل کرد.

هم خانواده ها :
تحمیلی ، تحمّل ، احتمال ، متحمّل

آرایه های ادبی :

کنایه : « جان بر کف » کنایه از « فداکار »

در آن ایام که دشمن، از آسمان و زمین، آتش بمب و موشک بر سر مردم
بی‌گناه این سرزمین فرو می‌ریخت، ایران سرافراز هرگز رنگ نباخت و برخود نلرزید
و جنب و جوش خود را رها نکرد؛ پابرجا ماند و درس پاکی، پایداری و پاسداری را به
انسان‌های آزاده و دل‌زنده جهان آموخت.

ایام = روزها (جمعِ یوم)

آزاده = شریف

پاسداری = نگهبانی، حفاظت

جنب و جوش = شور و هیجان، فعالیت بسیار

آرایه های ادبی :

کنایه : « رنگ باختن » کنایه از

« ترسیدن »

کنایه : « بر خود لرزیدن » کنایه از

« ترسیدن »

کنایه : « چابرجا ماند » کنایه از

« پایدار و استوار ماند »

کنایه : « دل زنده » کنایه از

« با نشاط ، آگاه ، امیدوار »

تشخیص : رنگ نباختن ایران

تشبیه : آتش بمب و موشک (اضافه

تشبیهی) : مشبه : بمب و موشک

// مشبه به : آتش

مراعات نظیر : آتش ، بمب ، موشک

آری، در دوران دفاع مقدّس، جوانان مؤمن و سربازان شجاع این ملت در برابر تازش دشمن، به لطف پروردگار مهربان، حماسه‌های شگفت‌انگیز آفریدند و پس از پایان جنگ تحمیلی، همت و تلاش همین سربازان سربلند و دلاوران رشید، با علم و دانش و تخصص و تعهد در آمیخت، تا حافظ آبروی این سرزمین آسمانی و بیانگر فکر ایرانی باشد.

آری : شبه جمله

تازش = حمله ، تاخت و تاز

تعهد = پیمان بستن ، به عهده

گرفتن

همت = اراده ، تلاش

حماسه = دلیری ، شجاعت

رشید = دلیر ، خوش قد و قامت

مقدّس = پاک ، قابل احترام

تخصّص = مهارت داشتن در

رشته ای از علوم

امروز نوجوانان شاداب و باایمان و جوانان سرزنده و پاک آیین میهن اسلامی،
همانند قلل، استوار و پایدارند که مایه عزت و افتخار نسل‌های امروز و فردایند و سیمای
وطن را به زیور و شکوه خلافت و نوآوری می‌آرایند و به لطف خداوند بزرگ در همه
عرصه‌ها و میدان‌ها پرچم ایران اسلامی را با سرود سرفرازی و آزادمنشی برخواهند
افراشت.

آرایه های ادبی :

تشبیه : مشبه : نوجوانان شاداب // مشبه به : قلل

تشبیه : سرود سرفرازی و آزادمنشی (اضافه تشبیهی)

تشخیص : سیمای وطن

شاداب = با نشاط ، شاد
سرزنده = شادمان ، با نشاط
قلل = قلّه ها (جمع قلّه)
پاک آیین = دارای ایمان و
اعتقاد درست
سیما = چهره
مایه - اساس ، اصل هر چیز
زیور = زینت
خلافت = ابتکار ، ابداع ،
نوآوری
می‌آرایند = آراسته و زیبا
می‌کنند
نوآوری = ابتکار ، ابداع ،
اختراع
آزادمنشی = جوانمردی ،
آزادی خواهی
برخواهند افراشت = بالا
خواهند برد

شعر « ای وطن »

قالب شعر :
قصیده

پیام و محتوای شعر :
تأکید بر وطن دوستی و دفاع از آن
تأکید بر تلاش برای سربلندی ایران

شاعر : ادیب الممالک فراهانی

دربارهٔ ادیب الممالک فراهانی

وی در سال ۱۲۷۷ ه. ق
در فراهان اراک متولد
شد

پس از مهارت و شهرت در
شاعری، مظفرالدین شاه به او
لقب «ادیب الممالک» داد.



میرزا محمد صادق
امیری، معروف به
«ادیب الممالک» شاعر
و روزنامه نگار عصر
مشروطه بود

آثار او:
دیوان شعر

ای وطن ، ای دل مرا مأوا ای وطن ، ای تن مرا مسکن

معنی بیت : ای وطن ، ای جایی که برای دل من پناهگاه و برای جسمم ، خانه هستی . (مرا در خودت جای داده ای)

مأوا = پناهگاه ، جای امن

آرایه های ادبی :

تشخیص و استعاره : ای وطن

قلمرو زبانی :

تشبیه : مشبه : وطن // مشبهٌ به : مأوا

در هر دو مصراع ، پس از واژه « ای » ، منادا حذف شده است .

تشبیه : مشبه : وطن // مشبهٌ به : مسکن

منادای محذوف : ای جایی که

تعداد جملات : ۶ جمله

ای وطن / ای جایی که / برای دل من مأوا هستی /

ای وطن / ای جایی که / برای تن من ، مسکن هستی /

ای وطن ای تو نور و ما همه چشم ای وطن ، ای تو جان و ما همه تن

معنی بیت : ای وطن ، ای جایی که اگر ما ، چشم باشیم ، تو ، نور آن هستی (ما بدون تو ، قادر به دیدن نیستیم) و ای وطن ، ای جایی که اگر ما جسم باشیم ، تو روح و جان آن هستی (ما بدون تو ، زنده نیستیم)

قلمرو زبانی :

در هر دو مصراع ، منادا پس از واژه « ای » حذف شده است . منادای محذوف : جایی که

– « را » در هر دو مصراع به معنی « برای » به کار رفته و حرف اضافه است

تعداد جملات : ۸ جمله

ای وطن / ای جایی که / تو نور هستی / و ما همه چشم
هستیم / ای وطن / ای جایی که / تو جان هستی / و ما
همه تن هستیم /

آرایه های ادبی :

تشبیه : مشبه : وطن / مشبه به : نور

تشبیه : مشبه : وطن / مشبه به : جان

تشبیه : مشبه : ما / مشبه به : چشم

تشبیه : مشبه : ما / مشبه به : تن

تشخیص و استعاره : ای وطن

مراعات نظیر : نور / چشم جان / تن

نکته ای گویمت که گر شنوی

شاد ، مانی به جان و زنده به تن

معنی بیت : نکته ارزشمندی به تو می گویم که اگر آن را بشنوی ، همیشه شادان و سلامت خواهی بود .

قلمرو زبانی :

تعداد جملات : ۴ جمله

نقش ضمیر « ت » در گویمت : متمم

نکته ای گویمت / که گر شنوی / به جان شاد مانی / و به
تن زنده مانی /

نکته ای به تو می گویم

فعل « مانی » در انتهای جمله آخر ، به قرینه لفظی حذف
شده است

مانی : فعل مضارع از مصدر « ماندن »

آدمی را چو هفت مهر به دل نبود کم شمار از اهریمن ،
مهر ناموس و زندگانی و دین عزّت و خاندان و مال و وطن

اهریمن = شیطان

ناموس = آبرو ، شرف

عزّت = سرافرازی ، ارجمندی

مال = ثروت

نبود = نباشد (وجود نداشته باشد)

تعداد جملات در بیت اول : ۲ جمله

(چو هفت مهر به دل آدمی نبود / از اهریمن کم شمار)

تعداد جملات در بیت دوم : یک جمله

این دو بیت ، موقوف المعانی هستند .

معنی ابیات : اگر انسان در دل خود به هفت چیز عشق و
علاقه نداشته باشد ، او را از شیطان هم کم ارزش تر و
پست تر به حساب بیاور

آن هفت مهر عبارت اند از : عشق به ناموس و آبرو ،
زندگی ، دین ، سرافرازی ، خانواده و خویشاوندان ، ثروت
، وطن .

نوع حرف « را » در مصراع اول : « را » ی گسست اضافه

دلِ آدمی

و آن که حُبّ وطن نداشت به دل مُرده زان خوب تر به باور من

معنی بیت : کسی که در دلش عشق به میهن نداشته باشد ، به عقیده من ، مُرده از او بهتر است .

حُبّ = دوستی ، عشق

حب وطن = عشق به میهن

باور = عقیده ، اعتقاد

زان = مخفف « از آن »

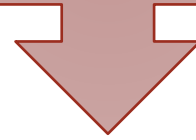
آرایه های ادبی :

تلمیح به حدیث : حُبّ الوطن من الایمان

تعداد جملات : ۲ جمله

آن که به دل ، حب وطن نداشت / به باور من مرده از آن
خوب تر است .

نکته املائی صفحه ۸۵



الفبای خط فارسی در مقایسه با الفبای خط‌های مشهور دنیا، پر نقطه‌ترین است؛ بنابراین، در نوشتن املا لازم است حرف‌های یک نقطه‌ای، دو نقطه‌ای و سه نقطه‌ای را بشناسیم و نقطه هر حرف را در جای خاص آن قرار دهیم. مثال: نزد - ترد، بنی - نبی



نگاه مهربان خداوند
همراه همیشگی زندگی تون

